



تحقیر اوپاما توسط چینی‌ها



یادداشت امروز

طرح بزرگ‌تر

مهدی محمدی

یکم - اکتون در این باره که برنامه اقدامی نظیر آنچه آقای طیب‌نیا با رئیس FATF امضا کرده را نمی‌توان در ایران اجرا کرد، اجماعی کم و بیش کامل وجود دارد. حتی آقای علی‌اکبر ولایتی هم تأیید کرده ایران نمی‌تواند چنین الزاماتی را بپذیرد. در روزهای گذشته به اندازه کافی درباره تهدیدات این موضوع سخن گفته شده است و حتی مدافعان هم نمی‌توانند انکار کنند با اجرای این نقشه راه و سپس ملزم شدن ایران به توصیه‌های چهل‌گانه کارگروه اقدام مالی، هم یک رژیم دست‌رسی و بازرسی ویژه درون بخش بانکی ایران برای سرویس‌های غربی تعیین خواهد شد که در زمانی کوتاه منجر به افشای اطلاعات حساس مرتبط با امنیت ملی ایران می‌شود، هم نهادهای انقلابی با تعریف مورد قبول وزارت خارجه آمریکا از تروریسم، گرفتار «خودتحریمی» خواهند شد و هم به اعتبار ایران درون محور مقاومت صدمات جدی وارد خواهد آمد. مهم‌تر از همه اینها، حتی اگر این برنامه اقدام به طور کامل اجرا و ایران از فهرست سیاه FATF خارج شود، باز هم مشکل بانکی ناشی از برجام حل نخواهد شد، چرا که ریشه این مشکل در برقرار ماندن تحریم مساللات دلاری، فشارهای وزارت خزانه‌داری آمریکا و همچنین تحریم‌های ثانویه تروریستی آمریکا علیه ایران است بنابراین از منظر هزینه-فایده هم که نگاه کنیم FATF اساساً ارزش هزینه‌ای را که برای آن داده می‌شود، ندارد.

دوم - موضوع این نوشته تکرار دفاعیه‌ها و رده‌ها درباره FATF نیست. این نوشته استدلال خواهد کرد کردن در جزئیات تکنیکی درباره FATF همانقدر که مهم است می‌تواند گمراه‌کننده هم باشد. FATF بخشی از یک «طرح بزرگ‌تر» است که برجام، قراردادهای جدید نفتی، توافق آب‌وهوایی پاریس، کنوانسیون KYC (نسخه خطرناک‌تر FATF که پنهان درباره آن مذاکره شده)، کنوانسیون پامو، کنوانسیون حقوق کودک و چند مورد دیگر که حالا شاید وقت علی‌کردن آنها نباشد، بخش‌های دیگر آن را تشکیل می‌دهد. «طرح بزرگ‌تر»ی که همه این اقدامات درون آن تعبیه شده، یک «برنامه پویا» است که تلاش می‌کند برجام را بدل به ابزاری برای گروگان گرفتن و تنظیم مجدد همه تصمیمات امنیت ملی ایران کند.

سوم - «طرح بزرگ‌تر» چند ویژگی کلیدی دارد:

- ۱- در این طرح، رفتار ایران از طریق تعداد قابل توجهی از توافقات، معاهدات، کنوانسیون‌ها و تفاهات مللی ملی دو یا چند جانبه به گونه‌ای چارچوب‌بندی می‌شود که در میان مدت نتواند خطر راهبردی برای امنیت ملی آمریکا تولید کند و در بلندمدت همه برنامه‌های امنیت ملی ایران که چشمه تولید تهدید علیه آمریکا هستند، تعطیل شود. بنابراین این «طرح بزرگ‌تر» ماهیتی «شبه‌حقوقی» دارد و سعی می‌کند ایران را در «شبکه‌های از تعهدات به هم پیوسته» گیر بیندازد. در واقع در اینجا با «جنگ حقوقی» به عنوان یکی از ابزارهای استراتژی جدید «قدرت اعمال فشار» مواجهیم.
- ۲- این «طرح بزرگ‌تر» کلاً به بهانه اقتصاد انجام می‌شود. استدلال اصلی طراحان آن در بیرون و مجریان و مدافعان آن در داخل این است که بدون برداشتن این گام‌ها اقتصاد ایران به حرکت در نخواهد آمد. در واقع در اینجا امنیت ملی فدای ادعایی به نام بهبود اقتصادی می‌شود بی‌آنکه تضمینی - حتی مهم - برای آن وجود داشته باشد.
- ۳- این طرح تک‌تک برنامه‌های امنیت ملی ایران را هدف گرفته و سعی می‌کند آنها را مطابق درکی که آمریکا از تهدیدات پیش روی خود دارد، «استاندارد» کند.

ادامه در صفحه ۵

مسئولان، نمایندگان مجلس و کارشناسان اقتصادی و سیاسی نسبت به خطرات فاجعه خیانت‌بار توافق با FATF هشدار دادند

داموکلس



آقای ظریف در کتاب «آقای سفیر» به تصریح نوشته‌اند «آمریکا اصلاً و اساساً توان راهاندازی هیچ جنگ دیگری را ندارد، بویژه جنگ با جمهوری اسلامی ایران». چندی پیش مجله‌ای از راقم این سطور خواسته بود ضمن نوشتن یک متن، کتابی را معرفی کند که مشخصاً یک نفر آن را به شکل ویژه بخواند! آقای روحانی کتاب «آقای سفیر» را بخوانید! اما آقای ظریف! توصیه‌های هم برای مطالعه شما دارم!

حضرت‌عالی اخیراً در مصاحبه با «بولتن دولت» مدعی شده‌اید «توافق برجام برای لغو تحریم‌ها نبود»! بر شما واجب است خواندن مکتوبات حسن روحانی! آنجا که نامه نوشت: «همه تحریم‌ها در همان روز اجرای برجام لغو می‌شود»! روحانی باید ظریف بخواند و ظریف هم باید روحانی! والا دولتمردی می‌شود «در حد اعتدال»! بعضی گمان برده‌اند فقط رئیس‌جمهور «معاونت حقوقی» دارد! هیئات من بی‌هیچ مزد و منی و کلی هم با افتخار، سرباز حق و حقوق‌امیرحسین ارغوانی‌ها هستند! و در میدان قلم، چون من گرد یتیمی میهمان صورت این بچه‌های نازنین باشد و از دیگر سو منت امنیت را بر سر مردم آبادی، یک توافق پوشالی بگذارد، شهید جمهور روزنامه با پرچم تروریست‌های تکفیری سست می‌شود! جایی که «سرتیپ حسین همدانی در سوریه «کشته» شد» تیر یک می‌شود! جایی که بانک نقش تانک را بازی می‌کند و از داخل به پیکر احمد غلامی‌ها و تقی ارغوانی‌ها شلیک می‌کند! با تسلسلی برتر از سلسله قاجاریه طرفیم، خب بگویید! والله حکایت وطن‌فروشی را خوانده بودیم اما فروختن سرباز وطن را دیگر ندیده بودیم! اسلام رحمانی! چقدر هم رحمانی! و چقدر دروغ! رسماً و علناً دروغ می‌گویند که آمریکا قصد حمله به ایران را داشت لیکن برجام نگذاشت! من از ساحت حضرات کدخداپرست عذر می‌خواهم اما واقعیت آن است که آمریکا حتی به این کشور متاسفانه از همه طرف ویران سوره هم نتوانست حمله کند، آن وقت جنگ کند با ایران مقتدر؟! با ملک سلیمانی؟! واقعا شرم نمی‌کنید از این دروغ؟! و حیا نمی‌کنید از رنگ ارغوان؟! طرفه حکایت اینجاست که خود

تقدیم به امیرحسین ارغوانی

مردم را با زور نمی‌توان به جهنم برد!

به برکت دولت اعتدال در تحریم خودکفا شدیم!



وانگهی! اول اصلاح ۱۰۰ روزه اقتصاد، بعد هشدار بابت نزول عذاب الهی! نیست خیلی به «وعده‌های خوب»-شان عمل کرده‌اند، «وعده بد» هم می‌دهند! آن بدترین وعده ممکن! نزول عذاب الهی! شگفتا از این اعتدال! پریدن با کدخدا لیکن وعده دادن از ناحیه خدا! آقایان! عذاب الهی با زور حاصل نمی‌شود و مردم را نمی‌توان با زور به جهنم برد! نقد یک توافق پرحفره، نه مصداق قدرشناسی نعمت که نمونه بارز اطلاع‌رسانی و شفافیت است، مگر آنکه مدعی باشیم دانستن حق مردم نیست! قدرشناسی نعمت آنجاست که ناظر بر امنیت کشور، سردار احمد غلامی به کاروان شهدا ملحق شود، آن وقت حضرات در بزرگ‌ترین و بدترین دروغ ممکن مدعی شوند برجام مانع جنگ آمریکا علیه ایران شد! این برجام بدفرجام، خیلی اگر عرضه داشت، کمر خوش راست می‌فرمود! برجامی که در تنها هدفش یعنی «لغو همه تحریم‌ها در همان روز اجرا» مانده، لازم نکرده منت امنیت بر سر این ملت بگذارد! مصداق قدرشناسی نعمت همین است که دولتمردان در همه کشورها، امن و امان دیار خود را مرهون رشادت سربازان‌شان می‌دانند، اینجا اما نه فقط در سینه کوبیده می‌شود که «من سرهنگ نیستم» بلکه اولاً امنیت را به دروغ ریسم می‌دهند به یک توافق لنگ در هوا و ثانیاً عنصر جان بر کف وطن را به دست خود تحریم هم می‌کنند! بالاخره هر دولتی در عرصه‌ای، کشور را خودکفا کرده، دولت فعلی هم موفق به این فتح‌الفتح بلندبالا شده که کشور را در زمینه تحریم به خودکفایی برساند! آن هم چه جور تحریمی؟! تحریم جگرگوشه‌هایی که در خرابات شام، غریبانه و مظلومانه مشغول جنگ با لعین داعشی هستند،

دل‌نوشت حسین قدیانی: صد البته

خبری از سایه شوم جنگ بر سر کشور نیست اما نه به آن معنا که بر صورت امیرحسین گرد یتیمی ننشسته باشد! «امیرحسین ارغوانی» را می‌گویم؛ فرزند شهید مدافع حرم «تقی ارغوانی»، باید دیده باشید این نماهنگ «ارغوان» را! مرحبا به آن عزیز که سرودش را گفت، مرحبا به آن عزیز که کارگردانی کرد، مرحبا به آن عزیز که هزینه این اثر فاخر و دلنشین را برعهده گرفت و مرحبا به امیرحسین عزیز و سایر دوستانی که در اوج شکوه و حماسه از پس بازی در این نماهنگ غرورآفرین برآمدند. گفت: «ز کودکی خادم این تبار محترم...» تا خادم این تبار محترم نباشی، یارای دفاع از حریم امنیت کشور را نخواهی داشت که چه خوش گفته‌اند «حب وطن از ایمان است». اما اینکه مدام می‌گویم «خبری از سایه شوم جنگ بر سر کشور نیست» از صدقه‌سر چیست؟! جز اینکه بر سر تعدادی از عزیزترین هموطنان‌مان خبرهای زیادی از سایه شوم جنگ هست؟! تصور کن! نوزادی را تصور کن که روز به دنیا آمدنش، مصادف شده با چهلمین روز شهادت پدر! «خبری از سایه شوم جنگ بر سر کشور نیست» از صدقه‌سر گرد یتیمی بر چهره همین نوزاد است! شگفتا از این اعتدال! خونش را شهید جمهور بدهد، خون دلش را امیرحسین و امیرحسین‌ها بخورند، آن وقت جناب رئیس‌جمهور ناظر بر امنیت ایران عزیز، منت برجام بر سر ملت بگذارد! که «برجام مانع جنگ شد»! که «برجام برای دستاورد دولت اعتدال کافی است»! که «گر قدر نعمت برجام را ندانیم، عذاب الهی نازل می‌شود»! عاقبت نفهمیدیم میان این جمله قصار که «مردم را نمی‌توان با زور به بهشت برد» با این یکی جمله قصار که «گر شاکر نعمت برجام نباشیم، عذاب الهی نازل می‌شود» چه نسبتی برقرار است؟! خوب است آقایان نه برجام را به عنوان «نعمت» جا بزنند، نه مردم را به بهانه عدم قدردانی از یک توافق مشؤوم، بیم از دوزخ و عذاب الهی دهند!

تئیه‌های امروز

بانک‌ها خودنمی‌توانند برای اجرای تعهدات FATF را تأیید کردند

بانک مرکزی دستور داد!



نایب‌رئیس اتاق اصناف تهران در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

ادغام دستوری اتحادیه‌ها را نمی‌پذیریم

دولت روحانی پرونده دانشجویان بورسیه را بست

مختومه شد بدون محاکمه دروغ‌گویان؟

گزارش «وطن امروز» از ابعاد گسترده بحران مازندران و گلستان

سمفونی بی‌تدبیری در سیل شمال

در کچه آفتاب

در حال و هوای شعر و شاعری عباس خوش‌عمل شاطر حسین «گل آقا»

حسین قزایی

برخی شاعران امروز چون میان ما هستند، قدر و منزلت‌شان را ارج نمی‌نهند و اهتمام ایشان در تعالی فرهنگ و هنر ایران عزیز را نادیده می‌گیریم. یکی از این بی‌شمار کسان «عباس خوش‌عمل» است. عباس خوش‌عمل که در شعر طنز «شاطرحسین» تخلص می‌کند، اصالتاً کاشانی است و این روزها در دهی از دهات شهریار (از شهرستان‌های اطراف تهران) روزگار می‌گذراند. می‌گویند ذوق سرشار او در طنزپردازی را مرحوم کیومرث صابری‌فومنی (گل‌آقا) کشف می‌کند. خوش‌عمل سال‌های سال در نشریات گل‌آقا مستونی ثابت به نام سروده‌های «شاطر حسین» داشت. شاطر حسین با عینک تیزبین طنزش، مسائل اجتماعی - فرهنگی را رصد و شعرش را از همین رهگذر دینی‌تر می‌کند. به چند نمونه از دغدغه‌های اجتماعی او که در حریر طنز بیان شده، بنگرید.

- ۱- قاجاق دارو هر که در ایران بی قاجاق دارو می‌رود بعد چندی پول او بالا ز پارو می‌رود
- ۲- استیکارستیزی عرب نفت خودش را داد مفتی که آمریکا کند کردن کلفتی!
- ۳- شاعر پرادعا شاعر پرطمعی منفصل از مردم شد رفت و در قلمز موج تجمّل گم شد
- ۴- وعده دادن گفته بودی چو «ماننده» شوم یک ماهه ففر را ریشه کن از شهر شما خواهیم کرد
- ۵- دام اعتیاد ای که افتادی به دام اعتیاد خانه کردی در مسیر تندباد
- ۶- ففر عمری است که از ضعف ریالی گله‌مندم چون نیست مرا قوت مالی گله‌مندم و در «بحر طویل» هایش، با توجه به ریتمیک بودن این قالب شعری حرف‌هایش را صاف و پوست‌کنده می‌زند: «چه گویم من از آن قشر که آسیب‌پذیر است، نه اثر پدری دارد و نه باغ و زمین بلکه فقیر است، غنایش همه اوقات شب و روز اگر یافت شود نان و پینر است، اتاقت همه مفروش نه از قالی کرمان و نه موکت که حصیر است...»

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به سوی اوست
برادر ارجمند جناب آقای
مجید شعبانی
مصیبت در گذشت فرزند عزیز تان را
به جنابعالی تسلیم گفته؛ برای آن مرحوم
رضوان الهی و برای شما و خانواده محترم
صبر و اجر از درگاه ایزد متعال خواهانیم.
وطن امروز

تهدید تولید ملی
خرید کالای خارجی!
0 107354 683291